

تلقى شهروندان از کوچه خوب و معیارهای شکل دهنده آن

مطالعه موردی شهروندان تهرانی

دکتر مصطفی بهزادفر*^۱، سید مجید نادری^۲، حمیده فروزانگر^۳

^۱ دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
^۲ دانشجوی دکترای شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزادی اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
^۳ دانشجوی دکترای شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱/۳۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۳/۱)

چکیده:

خوب بودن یکی از معیارهای پاسخ‌دهندگی کیفی مکان‌های همگانی شهر، از جمله کوچه‌ها، است. شاخص‌ها و متغیرهای خوب بودن بر حسب شرایط محیطی، ویژگی‌ها و دیدگاه متفاوت است. شناخت این شاخص‌ها می‌تواند در تصمیم‌سازی برای ارتقاء کیفیات محیطی موثر باشد. دیدگاه شهروندان از ویژگی‌های کوچه خوب یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر تصمیم‌گیری است. هدف از این گفتار بیان معیارهای کوچه خوب از نگاه شهروندان و شناسایی شاخصه‌های کیفیات محیطی موثر در فرآیند طراحی شهری است، که از طریق یک پژوهش در مناطق ۲۲ گانه تهران بدست آمده است. شاخص‌های اولیه جمع‌آوری شده از پاسخ برگ‌ها ۴۹ مورد بود. طی فرآیندی با تکیه بر "نظریه زمینه‌مداری" در مرحله اول به ۲۰ مورد و در نهایت به ۷ مورد تقلیل یافته و دسته‌بندی شده‌اند. بر مبنای این شاخص‌های هفت گانه گزینه‌های شهروندان نسبت به هنجار خوب بودن و ارتباط آنها با جایگاه اجتماعی-فرهنگی و بوم‌شناختی آنها معلوم شد. از میان ۷ شاخص نهایی، پراکنش دو شاخص "آسایش پیاده‌ها" و "قابلیت استفاده برای همگان" عنصر مسلط تر جبهی در اکثریت قریب به اتفاق مناطق بوده است. بدین ترتیب، با تکیه بر تلقی شهروندان از کوچه خوب "آسایش پیاده‌ها و قابلیت استفاده برای همگان"، تعمیم‌پذیرترین هنجارهای کیفیات محیطی برای ساماندهی یا طراحی قضا‌های همگانی، به ویژه کوچه، در شهر تهران می‌باشند.

واژه‌های کلیدی:

کوچه خوب، نظریه زمینه‌مداری، ادراک، تصویر سازی، آسایش پیاده، قابلیت استفاده برای همگان.

مقدمه

اقتصادی آنان با تلقی شان نسبت به کوچه خوب، برای پژوهشی که تعمیم‌پذیری کاربردی آن اهمیت دارد، مفید به نظر می‌رسد. اینکه مردم مناطق مختلف تهران در بیان صفات کوچه خوب دیدگاه متفاوتی داشته باشند امری بدیهی است.

پژوهش حاضر که بر مبنای مطالعات وابسته به شناخت کوچه های خوب تهران^۱ به بارنشسته، بر آن است تا پس از درک وجوه مشترک صفات کوچه خوب، ضمن تعدیل افتراق معنایی بین فهم شهروندان، به مثابه جامعه غیر طراح^۲، و متخصصین، به مثابه جامعه طراحان^۳، قابلیت های تعمیم‌پذیری آن را بررسی کند. متخصصین شهرسازی اعم از عالمان علوم اجتماعی، جغرافیادانان، برنامه ریزان روانشناسان اجتماعی و طراحان شهری در ادبیات دانشی و کنش های حرفه ای خود مفاهیمی را برای هنجارها و شاخص های کوچه خوب می شناسند که تصورات ذهنی و آموزه های عملی شهروندان با زبان دیگری از آن سخن گفته و به آن واکنش نشان می دهند. پاسخ هایی که مردم تهران، در مناطق ۲۲ گانه به پرسش ویژگی های یک کوچه خوب دادند از وجوه مشترکی برخوردار است که برخی از آنها را در سطح شهر تهران تعمیم پذیر می نماید. در این گفتار سعی می گردد در چارچوب فهم بی واسطه دیدگاه های مردم و پیرایش تخصصی آن با تکیه بر اصل افتراق معنایی قابلیت های کاربردی این پژوهش در عرصه عمل باز نمودن شود.

آیا می توان برای مفهوم کیفی "خوب بودن" فضاهای همگانی، به ویژه کوچه ها، شاخص ها یا هنجارهایی تعمیم پذیر پیدا کرد؟ طراحان شهری برای خیابان خوب^۴ شاخص هایی را مطرح نموده اند که معمولاً در تبیین اهداف کلان^۵ و چشم اندازهای^۶ برنامه سازی^۷ بکار می آیند. اما، کاربرد آن ها در مرحله تدوین اهداف عملیاتی^۸، راهبردها^۹ و سیاست های خاص به شناخت ویژگی های محیطی مکان های خاصی که می توانند موضوع برنامه های موردی طراحی شهری^{۱۰} باشند، مشروط می گردد. "خوب بودن" یک ارزش اجتماعی و فرهنگی است که معادل سازی آن برای صفات فضاهای همگانی شهری می تواند یا نیازهای عینی و ذهنی شهروندان مربوطه هم پیوندی داشته باشد. در همین راستا، ساکنین یک "کوچه خوب" تلقی خود از این فضای همگانی را در سازگاری و تناسب ویژگی های محیطی آن کوچه با نیازها و داشته های عینی و ذهنی جمع خود بیان می کنند.

شهروندان یا ساکنین یک کوچه برای بیان تلقی خویش از "خوب بودن" به عوامل فردی و اجتماعی بی شماری اشاره می کنند. اما، همانگونه که از پرسش بنیادین این گفتار برمی آید، به ویژه با تأکیدی که بر کاربردی نمودن شاخص های کیفی برای طراحی فضاهای شهری مطرح است، پرداختن به همه جزئیات این عوامل مورد اشاره شهروندان موضوع بحث این نوشتار نیست. معهذاً، پرداختن به کلیاتی از دیدگاه های مردم، متضمن درک رابطه جایگاه اجتماعی -

۱- پایه های شیوه شناختی

همانگونه که در آغاز بحث گفته شده است بدون بهره گیری از حساسیت ها، خواسته ها، درک معادل های هنجاری و نیازهای بر زمین مانده شهروندان نمی توان به ساماندهی بهینه کیفیات محیطی عرصه های همگانی^{۱۱}، به ویژه کوچه (خیابان) خوب پرداخت. برای پاسخ دادن به این مسئله باید به یک پرسش بنیادین تخصصی در عرصه طراحی شهری پاسخ گفت: "تلقی شهروندان از کوچه خوب چیست؟" برای پاسخ به این پرسش باید به درک نیازها، حساسیت ها، دغدغه خاطرها و مفاهیم هنجاری برنشسته بر دایره ذهنی مردم، هنگام مواجهه با یک فضای شهری، نائل آمد. اگر این درک به درستی صورت پذیرد چگونگی ساماندهی محیط با تکیه بر داشته های ذهنی آنان ممکن می شود. برای ورود به فرآیند پژوهش در این زمینه می توان از شاخه های دانشی مختلفی بهره گرفت. در اینجا از طراحی شهری بهره گرفته می شود. یا بهره گیری از ساز و کارهای حرفه - دانشی طراحی شهری، تلاش می گردد از طریق پژوهش در جامع ویژگی های فضاهای همگانی بیرونی این فضاها را برای شهروندان پاسخده نمود. فضاهای همگانی بیرونی را انواعی است که یک از آنها کوچه/ خیابان

می باشد. کیفیات محیطی را تنوعی از هنجارها باز نمون می کنند، که یکی از آنها "خوب بودن"^{۱۲} است. هنجارهای کیفیات محیطی را نمایانگرهای مختلفی باز نمون می کنند. منظر، ریخت، کارکرد، ادراک، شهود، زیست بوم و زمینه نمونه هایی از این نمایانگرها هستند. باید دید چه نمایانگرهایی می توانند حامل هنجار خوب بودن باشند. همانطور که از عنوان پژوهش برمی آید هدف آن است که متغیرهای مفهومی "خوب بودن" از تلقی مردم اکتشاف و استخراج شود. باید دید تلقی مردم با کدام نمایانگر همسازی و هم خانوادگی دارد. ادراک^{۱۳} یا تصویر ذهنی^{۱۴} نمایانگر اصلی مورد ارجاع در این پژوهش است. بنابراین، در این پژوهش سعی می شود شاخص های خوب بودن از متن ادراک یا تصویر ذهنی مردم استخراج و فهمیده شود. شیوه ویژه ای نیاز است تا بتوان محتوای تصویر ذهنی مردم را شناسائی نموده و ویژگی هایی که هنجار خوب بودن را در ذهن مردم تداعی می کنند استخراج و استنباط نمود. برای این منظور می توان از شیوه های مختلفی که برای شناخت تصویر ذهنی کارائی دارد، نظیر شیوه "نقشه ذهنی" استفاده نمود (e.g. Michelson, 1998 and Nasar, 1975).

خالص پرسش شهودگان هنگام برداشت تصویر مردم از محیط تاکید داشته اند (برای مثال؛ لینچ، ۱۳۷۴، 1998 و Nasar و Zeisel, 1991). شیوه اخیر با بستر جمع آوری اطلاعات این گفتار نیز سازگاری دارد. زیرا، گروه برنامه گذار شهرداری تهران، از مردم ۲۲ منطقه تهران خواسته است که یک کوچه خوب را با ویژگی‌هایی که خود بر هتجار "خوب بودن" مترتب می‌دارند معرفی کنند. بدیهی است که واژگان برآمده از ادراک مردم ممکن است با واژگان مطروحه در عرصه دانشی طراحی شهری غریبیگی نماید. بعضاً ممکن است مردم از مفاهیمی استفاده کنند که عیناً در حرفه - دانش طراحی شهری نیز کاربرد داشته باشد. طبق افتراق معنایی تفاوت واژگانی، مفهومی و نشانه‌مداری مردم با آنچه که متخصصان می‌فهمند امری بدیهی است. پژوهشگر در این مرحله سعی می‌کند با تکیه بر این اصل داده‌های مردم را به معادل‌های موجود مورد استفاده در حرفه - دانش دخیل در پژوهش سازگاری دهد، ممکن است شهروندان متغیرها و ویژگی‌هایی را برای هتجار خوب بودن ذکر کنند که از نظر کاربرد واژه با نظر طراحان شهری متفاوت به نظر برسد. ولی، بعید نیست که در صحنه عمل هر دو گروه از مصداق کیفیات محیطی واحدی سخن بگویند. برای مثال، وقتی که مردم در بیان ویژگی‌های خوب بودن از صفت سرزندگی سخن می‌گویند، بدواً معلوم نیست که این واژه عیناً همان معنایی را با خود حمل کند که طراحان شهری در میدان حرفه - دانشی خود می‌فهمند. باید معلوم شود که منظور آنها چیست؟ آیا از سرزندگی آنگونه که طراحان می‌فهمند سخن می‌گویند یا از زیست‌پذیری^{۱۷}، اجتماع‌پذیری^{۱۸} و یا شاید هم نکته‌ای دیگر سخن می‌گویند. اگر مردم به نکته‌ای اشاره کنند که متخصصین قبلاً بر آن آگاهی نداشته‌اند به آگاهی آنان اضافه می‌نماید. بدین ترتیب، نهایتاً متخصصین با تطبیق مصداق برداشت‌های شهروندان از کوچه خوب یا مصداق‌های دانشی اشتراک یا توافق معنایی را در صحنه عمل پیاده کنند.

با مقدمات یاد شده، به رده‌بندی، پالایش و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده درباره تلقی مردم از کوچه خوب در ۲۲ منطقه تهران پرداخته شده است. نزدیک به ۹۰۰ پاسخ از شهروندان این ۲۲ منطقه جمع‌آوری شد که حدود ۷۰۴ مورد برای استفاده در پژوهش قابل اتکاء بود. ۲۵۰ کوچه از ۷۰۴ کوچه مورد بازدید قرار گرفت و اشارات شهروندان نسبت به ویژگی‌های خوب بودن در واقعیت مشاهده شده تا منظور آنان به صورت مصداقی و در سازگاری بین مفاهیم اولیه‌ای که شهروندان مختلف از مکان‌ها و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مختلف اظهار نمودند فهمیده و یکپارچه سازی شود. پاسخ برگ‌های شهروندان درباره "مهمترین دلایل انتخاب کوچه به عنوان کوچه خوب" باز، کلی و تشریحی بود.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم، به شیوه استراوس^{۱۹} و کوربین^{۲۰}، استفاده شد. در این روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها هم زمان صورت می‌گیرد (Streubert HJ, 2003). سه مرحله شناسه‌گذاری^{۲۱} باز، محوری و انتخابی مطابق با روش استراوس و کوربین بر روی داده‌ها انجام شده است. به این منظور ابتدا داده‌ها خط به خط خوانده شده و شناسه‌های باز، که همان کلمات بیان مستقیم و بدون تفسیر مشارکت‌کنندگان است، استخراج گردید. شناسه‌های باز

نکته دیگری که باید در ساختار پژوهش مورد توجه قرار گیرد این است که؛ شهروندان در فرآیند پژوهش و مسئله‌گشایی یک فضای شهری موردی چه جایگاهی دارند؟ آیا آنان مستقیماً می‌توانند برای پاسخ‌دهندگی کیفی محیط برنامه و تصمیم‌سازند؟ آیا تلقیات آنان مستقیماً در عرصه عمل قابل اعمال می‌باشد؟ آیا مفاهیم برآمده از تلقیات آنان می‌تواند مستقیماً در عرصه دانشی طراحی شهری جای گیرد؟ شهروندان یکی از انواع گروه ذینفع‌ها هستند. نقش آنها در فرآیند به مثابه ذینفع یا ذیمدخل و بعضاً ذینفوذ اهمیت دارد. معهذاً، اکثریت آنان متخصص شهرسازی یا طراحی شهری نیستند. بنابراین، خواسته‌ها و داشته‌های ذهنی آنان مستقیماً در عرصه‌های عمل قابل اعمال نیستند. بعلاوه، شایسته نیست مستقیماً با اتکاء به مفاهیم تخصصی به کارآمده در دانش‌ها و حرفه‌ها از آنان پرسش‌گری شود. باید از مردم انتظار داشت با واژگانی که در ظرف ادراکی آنان جای دارد ویژگی‌ها، متغیرها یا شاخص‌های خوب بودن را بر زبان آورند. به عبارت دیگر قرار است ویژگی‌ها، صفات و یا متغیرهای هتجار خوب بودن، آنگونه که در ذهن مردم تصویرسازی شده‌اند و با زبان خود شهروندان (مردم)، به وسیله پژوهشگر فهمیده شوند.

به رغم برخی نظریه‌پردازان، مفیدترین اطلاعات یا آگاهی‌هایی که از ویژگی‌های محیطی برای ساماندهی تعاملات اجتماعی و ساماندهی محیطی افاده می‌نماید آن اطلاعاتی است بطور خالص در اذهان ذینفع‌ها (بازیگران) نقش بسته است. نظریه‌ای که مطلوبیت آگاهی‌ها و ادراکات خالص، تفسیر نشده و مستقیم اذهان شهروندان را مورد توجه قرار می‌دهد "نظریه زمینه‌مداری"^{۱۵} نامیده می‌شود. طبق این نظریه، که به وسیله گلیرز و استراوس توسعه یافته است، موضوع مورد نظر پژوهشگر بدون هیچگونه القاء اطلاعاتی از شهروندان پرسیده می‌شود. پاسخ شهروندان با واژگانی عرضه می‌گردد که بر بستر یا زمینه بدون تفسیر و تاویل ضمیر (ذهن) آنان ریشه دوانده است. طبق این نظریه آنان ویژگی‌ها یا متغیرهای یک کوچه خوب را آنگونه که برای خودشان قابل فهم می‌باشد بر می‌شمرند. "نظریه زمینه‌مداری" یک روش تحقیق کیفی است برای مطالعه درباره پدیده‌هایی که، به خوبی شناخته شده نیستند. بعلاوه، انتظار می‌رود دید تازه‌ای نسبت به یک پدیده آشنا کسب شود و وجوه تازه‌ای از آن برای پژوهشگران معلوم شود (Morse, 1995, 27-29). در اینگونه مطالعات، پژوهشگر کار خود را با یک فرضیه و یا مفهوم - واژه از پیش جا افتاده شروع نمی‌کند. بلکه، پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که خود مبنای ظهور مفاهیم جدید می‌شوند. پس از جمع‌آوری و تحلیل اولیه اطلاعات با استفاده از سادترین و مردم‌وارترین شیوه‌ها به تفسیر و تاویل مفاهیم پرداخته می‌شود (Glazer, 1998, 56-65).

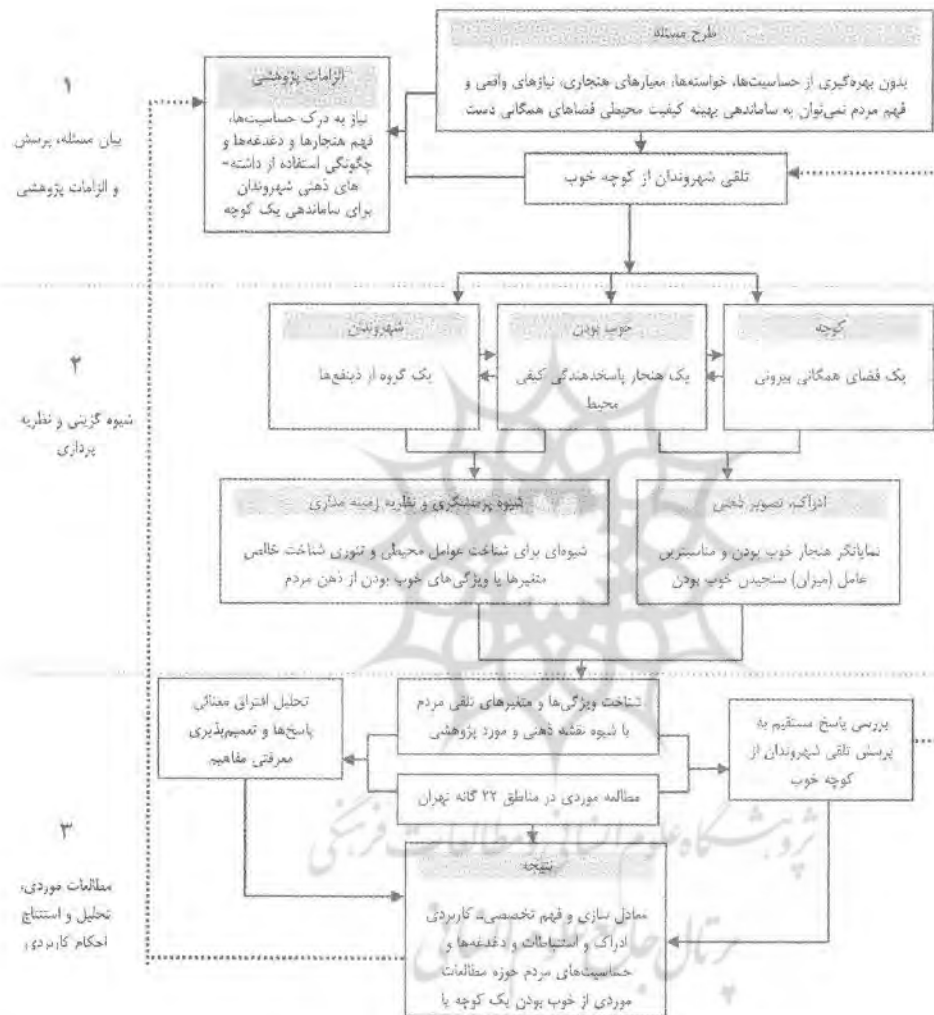
به کارگیری این نظریه شیوه شناختی با مبانی تکنیک‌های شناخت تصویر ذهنی مردم نیز، که قبلاً یاد شده است، سازگاری دارد. زیرا، در طول نیم‌قرن گذشته برای درک تصویر ذهنی مردم نسبت به واقعیت‌های محیطی، که طراحان شهری به آن دلمشغولی دارند، مطالعات زیادی با این شیوه صورت گرفته است. غالب این مطالعات پرسشگری^{۱۶} را به عنوان ابزاری برای انجام این نوع پژوهش انتخاب نموده‌اند. این گروه از پژوهشگران همگی بر عدم القاء مفاهیم تخصصی به دایره آگاهی‌های

یک شناسه از یک طبقه به طبقه دیگر تغییر پیدا کرده است تا در نهایت طبقات محوری پدیدار گردند.

داده های طبقه بندی شده مذکور به شیوه مقایسه ای و درک محتوا، مورد تحلیل قرار گرفته و یافته های تحلیل مبتنی استنتاج احکام کاربردی شده اند.

با شناسه های مفهومی، متضمن همنشینی در صحنه واژگان قابل فهم مشترک، مقایسه شد و شناسه هایی که از نظر مفهومی شبیه یکدیگر بودند در یک طبقه جای گرفتند و به تدریج طبقات شکل گرفته است. طبقات نیز با یکدیگر مقایسه شده و در صورت نیاز با یکدیگر ادغام شد، در برخی از موارد یک طبقه به دو یا چند طبقه تفکیک شد و یا محل

ساختار پژوهش



۲۳-۲۵) نقشه ذهنی فرآیندی است که از طریق آن انسان ها محیط زندگی اطراف خود را شناسه بندی، ضبط و قابل استفاده ی مجدد می کنند. نقشه ذهنی در حقیقت بخش اصلی الگوهای رفتاری روزمره افراد هستند. به گفته ی دیوید سفی، ما نقشه ذهنی را به عنوان عنصر اصلی سازگاری رفتار انسان می شناسیم که برای زندگی و رفتارهای روزمره انسان با محیط ضروری و حیاتی است. نقشه تصاویر ذهنی افراد از شهر صرفاً تصویر کالبدی نیستند. هرچند به صورت کالبدی ترسیم گردند، بلکه، عملکردها و معانی هر مکان را نیز شامل می شوند. نقشه تصویر ذهنی در افراد متفاوت است و بستگی به سن، جنس، زمینه فرهنگی، شغل، خلق و خو تفاوت دارد. بهرحال هر فرد عرضه کننده و دریافت دارنده تصویری است که خود از محیط می سازد و یا در فرآیند شکل گیری آن نقش فعال دارد. اما، به نظر می رسد شباهت های بسیاری بین افراد دسته های مشابه وجود دارد.

۲- اشارات نظری

۲-۱- مبانی تصویر برداری و تصویر سازی

شهر چه در کلیت و چه در اجزای خود دارای مشخصه های فراوانی است که می بایست در طراحی و برنامه ریزی مد نظر قرار گیرد. به همین دلیل نمی توان تصویری از آینده کل شهر ارائه داد، بدون این که نقش و کیفیت آینده اجزا شهر (محله ها و فضاها ی شهری) یا به بیانی دیگر شخصیت محیطی محل، را مورد توجه قرار داد. شهروندان نه فقط دارای تصویری از چشم انداز کل شهر می باشند، بلکه راجع به اجزا شهر نیز تصورات و توقعات خود را دارند. شهروندان همچنین در ذهن خود میان این نقاط رابطه برقرار نموده و جنس، ساختار و سلسله مراتبی بر آن قائل اند. به بیان دیگر هر شهروند در ذهن خود نقشه ای از شهر دارد که به نقشه ذهنی معروف است (پاکزاد، ۱۳۸۵،

می‌کند، ضمن فهم واقعیت‌های محیطی با ریشه‌های اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، زیست محیطی و زیبایی‌شناختی این واقعیت‌های آشنا شده و معادل‌های دانشی این تصاویر را برای بکارگیری در فرآیند برنامه‌سازی و توسعه فضاهای شهری بشناسند. انتظار می‌رود برداشت تصویر ذهنی مردم نسبت به کوچه خوب مبنای مناسبی برای تصویر سازی کوچه‌های خوب برای همان مردم (همگان) در شرایط واقعی شود.

۲-۲- افتراق معنایی

در فرآیند تصویر برداری- تصویر سازی چالش‌های مختلفی پیش می‌آید که یکی از آن‌ها نحوه تطابق معناهای صریح، عینی و همه‌شمول با معناهای ضمنی، ذهنی و کم‌شمول (شخصی) است. آژگود^{۲۳} هر واژه را دارای دو سطح معنایی می‌داند: معنای صریح که همان معنای عینی و رایجی آن است و معنای ضمنی که متأثر از باوردها، نگرش‌ها و ارزیابی‌ها است. به عبارت دیگر، بسیاری از واژگان گذشته از معنای صریح خود که برخاسته از تجربه و تداعی مشترک فرهنگی‌اند، دارای معنای ضمنی و فردی ویژه هستند، برای مثال درختان سبز حس زیبایی را تبادر می‌کنند، مردم بومی یک حوزه خاص فرهنگ یکسانی دارند که موجب برقراری تعامل اجتماعی بالا در متن آن اجتماع می‌شود، نبود یا کم بود سرو و صدا آرامش و آسایش را نشان می‌دهد (آژگود و همکاران، ۱۹۵۷). تبدیل معنایی ضمنی و محلی به معنای صریح و همه‌شمول، به ویژه در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بسیار مشکل است. مردم ممکن است درک خود از خوب بودن یک محیط را با واژگانی توضیح دهند که با استنباط طراحان از همان واژه خوب نبودن را تداعی نماید. در نتیجه ممکن است حرفه‌مندان پیشنهادات اصلاحی خاصی را برای ارتقاء کیفی همان مکان عرضه نمایند که علیرغم سازگاری با اصول شناخته شده حرفه‌ای با خواسته مردم سازگار نباشد. در اصول افتراق معنایی، با فرض یک فضای معنایی چند بعدی برای واژه‌ها، ضرورت سنجش معنای ضمنی، که خود متأثر از باوردها، نگرش‌ها و ارزیابی‌هاست، ملحوظ نظر قرار می‌گیرد. برای پاسخ دهی به این ضرورت روش‌هایی مطرح است که به آن روش یا شیوه افتراق معنایی می‌گویند، شیوه افتراق معنایی را می‌توان راهبردهای تعمیم‌پذیری اندازه‌گیری‌ها دانست که می‌تواند برحسب موضوع و هدف اندازه‌گیری تغییر کند. با توجه به رویکردها، موضوع و اهداف شناخت یا تحوّل اندازه‌گیری متغیرهای هر پژوهش تاکنون بیش از ۲۰ (بیست) شیوه تحلیل افتراق معنایی معرفی شده است. صاحب‌نظران مختلفی نظیر آژگود، سوکی^{۲۴} و تاتنیام^{۲۵} از یک سو، و هوف اشتات تر^{۲۶} از سوی دیگر، که ظاهراً بدون رابطه با همدیگر در پاره شیوه‌های مختلف افتراق معنایی سخن گفته‌اند، مصداق‌های کاربردی نسبتاً مشترکی دارند (رفیع پور، ۱۳۶۷).

در کل، سازوکارهای این روش بر پایه تداعی معنایی ساخته شده است. طی فرآیند تداعی معنایی محرکی به آزمودنی ارائه می‌شود. آزمودنی باید این محرک را بر پایه ویژگی‌های دو قطبی (همچون سفید/سیاه/بلند/کوتاه/گرم و...) بررسی کند و مشخص نماید بین محرک و ویژگی‌های متضاد آن چه رابطه‌ای می‌تواند برقرار نماید

این تصاویر مشابه و مشترک در واقع حاصل توافق شمار بسیاری از مردم بر اهمیت تصویری خاص است. تصویری که بر اهمیت آن یک توافق همگانی مترتب باشد همانی است که توجه برنامه‌سازان شهری اعم از برنامه‌ریزان و طراحان را به خود می‌خواند.

لینچ^{۲۷} را می‌توان اولین شهرسازی‌نامید که واژه تصویر ذهنی را در کتاب سیمای شهر مطرح نمود. او معتقد است که ویژگی‌های هویتی محیط تصویر ذهنی روشنی را از آن محیط پدید می‌آورد. صحنه‌ای که روشن، زنده و پیوسته باشد نه تنها می‌تواند تصویری دقیق بوجود آورد، بلکه می‌تواند نقش اجتماعی نیز ایفا نماید، می‌تواند برای نمادها و خاطرات مشترک و جوهر ارتباطات دسته‌جمعی آدمیان، ماده‌ای خام فراهم آورد (برای مثال، لینچ، ۱۳۷۴، ۹۲-۷۰ و ۱۳۸۱؛ ۶۵-۱۵۲). او می‌گوید تصویری که از محیط در ذهن ناظر بوجود می‌آید محصولی دو جانبه از تعامل میان ناظر و محیط است.

آنچه را که لینچ در سیما و شکل شهر بیان می‌کند، عمدتاً مبین مفاهیمی است که از برآیند ارتباط مردم و محیط شهری حاصل شده و در ذهنان می‌نشینند. برخی از برنشسته‌ها نمود هنجاری یافته و برای مردم سودمندی و ارزشمندی به بار می‌آورند. اگر نمادهای هنجاری به نمادهای محیطی معنی‌داری که در ذهنان اکثریت مشترک باشد تبدیل شوند، می‌توان از آنها برای ساماندهی کیفیات عرصه‌های همگانی استفاده نمود. برای مثال، او (لینچ) از نمادهای پنج‌گانه‌ای یاد می‌کند که از کانال تصویر ذهنی مشترک مردم با نموده‌ها یا مصداق‌های کالبدی-فضائی (محیطی) رابطه پیدا می‌کنند. مردم می‌توانند از طریق رابطه مذکور شهر را بخوانند، درک کنند و حتی حس مکان و هویت مداری فضا و شهر را در زندگی جمعی جاری کنند (برای مثال بنتلی و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۵۲-۱۱۳). راه، لبه، حوزه، گره و نشانه این عوامل پنج‌گانه را تشکیل می‌دهند. راه که در مصداق کوچه و خیابان واقعیت پیدا می‌کند در ادراک ساختاری از شهر حرکت را معنی‌دار می‌کند (حبیبی، ۱۳۸۷، ۵۰-۳۹) ولی، در لباس یک کوچه مستقل می‌تواند حوزه‌ای باشد که برای شهروندان شعاع تأثیرش هنجارهای کیفیات محیطی ویژه‌ای را تداعی می‌نماید.

با شناخت تصویر ذهنی مردم آنگونه که در این پژوهش آمده است می‌توان اینگونه مفهوم سازی‌ها را در عمل توسعه داد. شولتز تصویر ذهنی روشن شهر و فضاهای همگانی را که نوعی تشخیص هویت محسوب می‌گردد، نتیجه ارتباط جامعه با فضای شهر از طریق کانال‌های معنی‌دار می‌داند. کوچه‌ها کانال‌های معنی‌داری هستند و شفافیت تصویر برداری جمعی از شهر را تسهیل می‌کنند. به عبارت دیگر راه که در پوشش کوچه یا خیابان در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است به‌رغم بسیاری از صاحب‌نظران شاه‌کلید درک و شناخت شهر و نتیجتاً درک چگونگی ساماندهی آن محسوب می‌گردند (Moudon & Laconte, 1983, Moudon, 1987, Appleyard, 1981; and, Jacobs, 1993.e.g).

لازم به ذکر است که نقشه و تصویر ذهنی افراد ملحق به وضع موجود و حال شهر و اجزای آن نمی‌شود، بلکه شامل گذشته و آینده شهر و اجزای آن نیز می‌شود.

بنابراین تصویر برداری از فضاهای شهری بر مبنای آنچه که در ذهنان مردم نقش بسته است به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کمک

مفهومی و کارکردی ویژه‌ای برخوردار باشند.

در اولین مرحله از بررسی مقایسه‌ای، اقلام مورد اشاره شهروندان برای عناصر کوچک خوب، در قالب مفاهیم یا واژگان معنی دار موجود در پاسخ برگ‌ها طبقه بندی و شناسه بندی گردید. دستگاه شناسایی، مقایسه و طبقه بندی این مرحله صرفاً، یاسنجه معنی دار بودن واژگان ساخته شد. لذا، هیچ قالب دیگری غیر از این دستگاه برای غربالگری استفاده نشده است. داده‌های پردازش شده در این مرحله، تحت عنوان مفاهیم شناسه گذاری باز، در گروه یک (۱) جدول استنتاج / اکتشاف معیارها ردیف شده‌اند. در محله دوم از بررسی مقایسه‌ای، به منظور جای گیری شمار بیشتری از داده‌ها در قالب محوری معیارهای برنامه سازی کیفیت محور، به جرح و تعدیل و غربال گری مفاهیم پرداخته شد. لذا، معیارهای توصیفی شهروندان، با اعمال حد محدودی از انتزاع در جهت نزدیکی و همخوانی با مفاهیم صریح و ارجاعی حوزه تخصصی طراحی شهری غربال شده‌اند، تا شناسه‌های محوری گروه دوم (۲) یا ستون میانی جدول استنتاج / اکتشاف مفاهیم معنی دار بدست آیند. در مرحله سوم (پایانی) داده‌های حاصل از طبقه بندی محوری (گروه دوم) مشمول شناسه بندی گزینشی شده‌اند. گروه بندی رده سوم (۳) مفاهیمی از داده‌های توصیفی شهروندان را در خود جای داده‌اند که با قالب‌های هنجاری ساماندهی کیفیت محور عرصه‌های همگانی بیرونی سازگاری دارند. بدین ترتیب، با غربال شناسه‌های مفهومی مستخرج از داده‌های خام پاسخ برگ‌های شهروندان تهرانی، حدود ۴۹ قلم مفهوم - واژه طبقه بندی شده در شناسه گذاری باز به ۲۰ قلم مفهوم - واژه شناسه گذاری محوری و در نهایت ۷ قلم مفهوم - واژه شناسه گذاری گزینشی تبدیل شده‌اند. بنابراین، با تکیه بر اصول و روش زمینه‌مداری، متضمن اعمال شیوه مقایسه‌ای مستمر با رویکرد اکتشافی، هفت معیار/ هنجار که در ستون سوم جدول شماره یک طبقه بندی شده‌اند، بدست آمده‌است (جدول ۱).

در ادامه، برای درک مقایسه‌ای تلقی شهروندان تهرانی از کوچک خوب نیز از رویکرد اکتشافی و شیوه مقایسه‌ای مستمر بهره گرفته شد. برای بررسی اخیر از هفت مفهوم - واژه اکتشافی مرحله قبل به عنوان کلید - واژه‌های مفهومی پایه استفاده شده است. به عبارت دیگر برای این بخش از مطالعات یک دستگاه ارزیابی خاصی طراحی شده است که هفت مفهوم - واژه اکتشافی قبلی سنج، مقیاس و یا حس گره‌های آنرا تشکیل می‌دادند. با بررسی اولیه معلوم شد که شهروندان مناطق مختلف تهران در تاسی به معیارها و هنجارهای کیفیات محیطی از گرایش‌های الویتی متنوعی برخوردار هستند. در این راستا عناصر مفهومی مورد اشاره مناطق ۲۲ گانه در ۲ گروه الویتی طبقه بندی شده‌اند. گروه اول؛ شامل عناصری است که از نظر شهروندان آن منطقه واجد اولویت بودند و گروه دوم؛ شامل عناصری است که فاقد اولویت بوده‌اند و یا چندان اولویت نداشته‌اند. تشخیص اولویت بندی بر مبنای کمیت ذکر موارد و نحوه ذکر موارد صورت پذیرفته است. جدول شماره ۲ سامانه اولویت بندی مردم مناطق ۲۲ گانه تهران نسبت به مفهوم واژه‌های مورد اشاره خود، از صفات کوچک خوب را، که قبلاً در هفت عنوان مورد اکتشاف قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد.

(رفعی‌پور، ۱۳۶۷). اگرچه این روش ابتدا توسط "آزگود" به عنوان وسیله‌ای برای پژوهش در جنبه‌های روان شناختی معانی به کار رفت، ولی به زودی امکانات آن از نظر ارزیابی علمی شخصیت مورد توجه قرار گرفت (آناسازی، ۱۳۶۱). بعدها، خود آزگود نشان داد که الگوی افتراق معنایی را می‌توان مستقیماً در تحلیل ادراک استعاره بکار برد. به باور آزگود هرگاه محرک‌هایی هم جوار یا نشانه‌ها باشند نقش تداعی‌کننده‌های اضافی را برای بخشی از رفتاری که یا نشانه اولیه بر انگیخته می‌شوند؛ به دست می‌آورند. این محرک‌ها را می‌توان "فرآیندهای واسطه‌بازنمایی" شمرد. زیرا هر واژه در ارگانیزم انسانی نسخه‌های همانندی از رفتار را که در برابر امری برانگیخته می‌شود بازنمایی می‌کند. به تعبیر لوریا^{۲۷} معنا نظام پایداری از تعمیم‌هاست که در واژه نشان داده می‌شود و به تعبیر ویگوستکی^{۲۸} هر واژه جهان کوچک‌تر شعور انسانی است. به طور کلی هر واژه دارای دو ویژگی مهم است: ۱- نشانه و در برگیرنده‌ی اطلاعات است ۲- برای نام بردن چیزی بکار می‌رود و یا امری را می‌سنجد. این دو ویژگی، جدا از هم، شیوه‌ای موثر از بازنمایی را ارائه می‌دهند.

در این پژوهش سعی گردیده است که بر مبنای مراجعه به مصداق‌هایی که در واقعیت‌های محیطی کوچک‌های مورد بررسی وجود داشت، اطلاعات پنهان در واژه‌ها شناسایی شوند. در همان مراجعه معلوم شده است که شهروندان چه ویژگی را سنجیده‌اند، پژوهشگران، به عنوان طراحان شهری، به دنبال نشانی‌های کیفیات محیطی گشته‌اند. در این پژوهش سعی شده است با استناد به تنوعی از منابع علمی هنجارها یا معیارهایی که معیارهای طراحی شهری کیفیت مدار (خوب) و یا معیارهای ارتقاء کیفیات محیطی شناخته می‌شوند را شناسایی نموده و سعی کند برداشت‌های شهروندان را در چارچوب واژگانی این معیارها به بوته آزمون افتراق معنایی بسپارد (برای مثال؛ لینچ، ۱۳۸۱؛ بنتلی و همکاران، ۱۳۸۷؛ لنگ، ۱۳۸۱؛ Taylor, Hester, 1989; Southworth & Walters, 2003; Ben-Joseph, 1995; Carmona et.al. Piet, 1996, 2003; Walters, 2007, at.al., 1995)

۳- یافته‌ها

آنگونه که اشتراوس و کوربین تاکید نموده‌اند، در روش زمینه‌مداری، داده‌های گرد آوری شده به شیوه بررسی مقایسه‌ای مداوم تحلیل می‌شوند. انبوه اطلاعات آماده شده برای بررسی و تحلیل مقایسه‌ای در یک دستگاه دو سطحی غربال‌گری می‌شود. در یکی از این دو سطح داده‌هایی قرار دارند که مرحله به مرحله تصفیه و غربال می‌شوند، طوریکه در انتها تعداد معدودی متغیر واجد صفات مشترک و معنی دار بر جای بمانند. در سطح دیگر معیارها و هنجارهای کیفیات محیطی، موسوم به معیارهای طراحی شهری کیفیت محور، قرار می‌گیرند. داده‌های جمع‌آوری شده از یک طرف درون خود باهم مقایسه می‌شوند و از طرف دیگر با معیارهای طراحی شهری مقایسه می‌شوند، طوریکه در انتهای فرآیند غربال‌گری غالباً عناصر مفهومی یا متغیرهایی برجای می‌مانند که در چارچوب نظری ساماندهی کیفی محیط از جایگاه

جدول ۱ - استنتاج / اکتشاف و طبقه بندی معیارهای کیفیت محور (طراحی شهری).

طبقه بندی (۳)	طبقه بندی (۲)	طبقه بندی (۱)	
قابلیت استفاده برای همگان	مناسب بودن سطح سواره	عریض بودن کوچه	
		عریض بودن پیاده رو	
	دارا بودن پیاده روی مناسب	امنیت و ایمنی حرکت پیاده	
		کف سازی مناسب	
	دسترسی به خدمات مورد نیاز ساکنین	دسترسی و تردد آسان	شیب مناسب
			دسترسی به مرکز خرید از جمله نانوائی و ...
			دسترسی به مسجد مدرسه
			دسترسی به مترو و وسایل نقلیه عمومی
			سلسله مراتب دسترسی
			دسترسی به خیابان های اصلی
فضایی برای تعامل اجتماعی	مشارکت و همبازی اهالی	مشارکت اهالی در نظافت	
		مشارکت با شهروان باری ها	
		مشارکت در نوسازی بافت فرسوده	
برخورنداری از ایمنی و امنیت	فرهنگ عمومی یکسان	بومی بودن افراد	
		وجود افراد متدین و خانواده شهنا	
		همسایگان خوب	
زیبایی فضای عمومی کوچه	زیبایی نمای خانه ها	وجود تیرهای چراغ برقی در کوچه	
		نورپردازی مناسب در شهر	
		نبود ارزا و آویزش	
هویت، زیبایی، خوشایند بصری	تعلق خاطر	نبود دزدی	
		نبود ساختمان های متروکه	
		ساختمان های نوساز و کم بودن بافت فرسوده	
تناسب کالبدی، تداوم و محسوریت	عدم فرو رفتگی و پیش آمدگی جداره ساختمان ها	کشودگی انتهای کوچه منس به فضای سبز	
		وجود درختان در طرفین کوچه	
		نماهای هماهنگ و منسجم	
پاکیزگی، عدم وجود آلاینده ها	تمیز بودن انهار	انتخاب مصالح هماهنگ و همگون	
		وجود مراکز مهم و عناصر باارزش تاریخی	
		وجود ساختمان های هنری و قدیمی یادآور خاطرات گذشته	
آسایش پیاده ها	هوای پاکیزه و تمیز	همردیف بودن خانه ها	
		تناسب ارتفاع ساختمان ها نسبت به عرض کوچه	
		توجه به خط آسمان	
آرامش	نیسان فضای شهری مناسب	جوی آب بزرگ	
		آب جاری در جوی	
		وجود فضای سبز	
فضای سبز	دوری از ازدحام ترافیک سواره	نبود ازدحام	
		وجود سطل آشغال در کوچه	
		رعایت نظافت عمومی	
فضای بازی	آرامش	گذاشتن به موقع زباله در کوچه	
		عدم تردد و تراکم وسایل نقلیه	
		کم بودن سر و صدای خودرو	
فضای بازی	فضای بازی	نبود سر و صدای فعالیت های مولد سر و صدا	
		وجود نیمکت برای نشستن	
		وجود لوازم ورزشی	
فضای بازی	فضای بازی	وجود فضای سبز بصورت باغچه	
		وجود پارک محله	
		تراکم درختان در کوچه	
فضای بازی	فضای بازی	وجود قضا بازی در جلوی منزل	

جدول ۲ - اولویت بندی عناصر مفهومی مورد اشاره شهروندان به تفکیک مناطق ۲۲ گانه شهر تهران.

شماره مناطق	گروه اولویت اول (واجب الویت)		گروه اولویت دوم (فاقد اولویت)	
	عناصر اولویت دار اول	عناصر اولویت دار دوم	عناصر فاقد اولویت اول	عناصر فاقد اولویت دوم
۱	آسایش پیاده ها	پاکیزگی، عدم وجود آلاینده ها	فضایی برای تعامل اجتماعی	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت
۲	آسایش پیاده ها	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت	فضایی برای تعامل اجتماعی	برخورنداری از ایمنی و امنیت
۳	آسایش پیاده ها	قابلیت استفاده برای همگان	فضایی برای تعامل اجتماعی	پاکیزگی، عدم وجود آلاینده ها
۴	آسایش پیاده ها	پاکیزگی، عدم وجود آلاینده ها	برخورنداری از ایمنی و امنیت	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت
۵	قابلیت استفاده برای همگان	آسایش پیاده ها	فضایی برای تعامل اجتماعی	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت
۶	آسایش پیاده ها	قابلیت استفاده	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت	برخورنداری از ایمنی و امنیت
۷	هویت، زیبایی، خوشایند بصری	قابلیت استفاده	برخورنداری از ایمنی و امنیت	پاکیزگی، عدم وجود آلاینده ها
۸	آسایش پیاده ها	هویت، زیبایی، خوشایند بصری	پاکیزگی، عدم وجود آلاینده ها	فضایی برای تعامل اجتماعی
۹	قابلیت استفاده برای همگان	آسایش پیاده ها	فضایی برای تعامل اجتماعی	پاکیزگی، عدم وجود آلاینده ها
۱۰	آسایش پیاده ها	فضایی برای تعامل اجتماعی	برخورنداری از ایمنی و امنیت	پاکیزگی، عدم وجود آلاینده ها
۱۱	آسایش پیاده ها	قابلیت استفاده	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت	پاکیزگی، عدم وجود آلاینده ها
۱۲	هویت، زیبایی، خوشایند بصری	قابلیت استفاده	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت	پاکیزگی، عدم وجود آلاینده ها
۱۳	فضایی برای تعامل اجتماعی	قابلیت استفاده	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت	برخورنداری از ایمنی و امنیت
۱۴	آسایش پیاده ها	فضایی برای تعامل اجتماعی	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت	برخورنداری از ایمنی و امنیت
۱۵	آسایش پیاده ها	قابلیت استفاده	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت	برخورنداری از ایمنی و امنیت
۱۶	آسایش پیاده ها	فضایی برای تعامل اجتماعی	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت	قابلیت استفاده
۱۷	فضایی برای تعامل اجتماعی	پاکیزگی، عدم وجود آلاینده ها	برخورنداری از ایمنی و امنیت	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت
۱۸	فضایی برای تعامل اجتماعی	هویت، زیبایی	برخورنداری از ایمنی و امنیت	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت
۱۹	فضایی برای تعامل اجتماعی	هویت، زیبایی، خوشایند بصری	برخورنداری از ایمنی و امنیت	پاکیزگی، عدم وجود آلاینده ها
۲۰	آسایش پیاده ها	فضایی برای تعامل اجتماعی	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت	قابلیت استفاده
۲۱	قابلیت استفاده	فضایی برای تعامل اجتماعی	تناسب کالبدی، تداوم محصوریت	برخورنداری از ایمنی و امنیت
۲۲	قابلیت استفاده	هویت، زیبایی، خوشایند بصری	فضایی برای تعامل اجتماعی	برخورنداری از ایمنی و امنیت

همانطور که جدول ۲ نشان می دهد در ۱۲ منطقه تهران آسایش پیاده در اولویت اول قرار داشت. در چهار منطقه فضایی برای تعامل اجتماعی و در چهار منطقه نیز قابلیت استفاده برای همگان اولویت اول بوده است. در دو منطقه نیز هویت، زیبایی و خوشایند بصری اولویت اول بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نتیجه رتال جامع علوم انسانی

همانگونه که در جدول اول و نقشه دیده می شود، پراکنش دو شاخص "آسایش پیاده ها" و "قابلیت استفاده برای همگان" دو عنصر مسلط ترجیحی در اکثریت قریب به اتفاق مناطق بوده است. با تکیه بر انگاشت نظری مربوط به ذهنیت شهروندان از عناصر تشکیل دهنده کوچه خوب، می توان این دو عنصر هنجاری را به عنوان "عناصر بسیط" شهر در نظر گرفت. به این معنی که دو عنصر مزبور عناصری هستند که افراد (مردم) بیشترین تعامل و تاثیر و اثر مستقیم را با عوامل آنها برقرار می کنند. از این دیدگاه عناصر دوگانه یاد شده، عناصر قریب عینی به ذهنیات شهروندان هستند. لذا، اولین انتظارات ایشان از ویژگی های کوچه خوب برخوردار این کوچه ها از امکانات "آسایش پیاده ها" و "قابلیت استفاده برای همگان" است.

متقابلاً، در میان شاخص های مطرح شده از طرف شهروندان، شاخص تناسب کالبدی با مجموع فراوانی ۹ پاسخ، کمترین اقبال را در میان شاخص ها داشته است و شاخص ایمنی و امنیت

دومین شاخصی است که با ۶ پاسخ کمترین توجه ها را به خود جلب کرده است. چنانچه صفات واقعیت های محیطی منبعث از دیدگاه های تحلیلی گفتار، به دلمشغولی متخصصان و مجریان معطوف گردد، پرسش های فراوانی برای پژوهشگری بیشتر در این زمینه قابل طرح است. آنگونه که نه تنها هر یک از پرسش ها، بلکه هر یک از پاسخ نیز می توانند منشاء و موضوع پژوهشی مستقل باشند. چرایی اولویت دادن به برخی شاخص ها از طرف شهروندان و دلایل اقبال کمتر به برخی دیگر از شاخص ها، بررسی نظم حاکم بر اولویت های مناطق نزدیک به هم در انتخاب شاخص های کوچه خوب و تحلیل آن، بررسی دلایل تفاوت های مناطق مختلف در اولویت دادن به شاخص ها، از جمله این زمینه های پژوهشی جدید هستند.

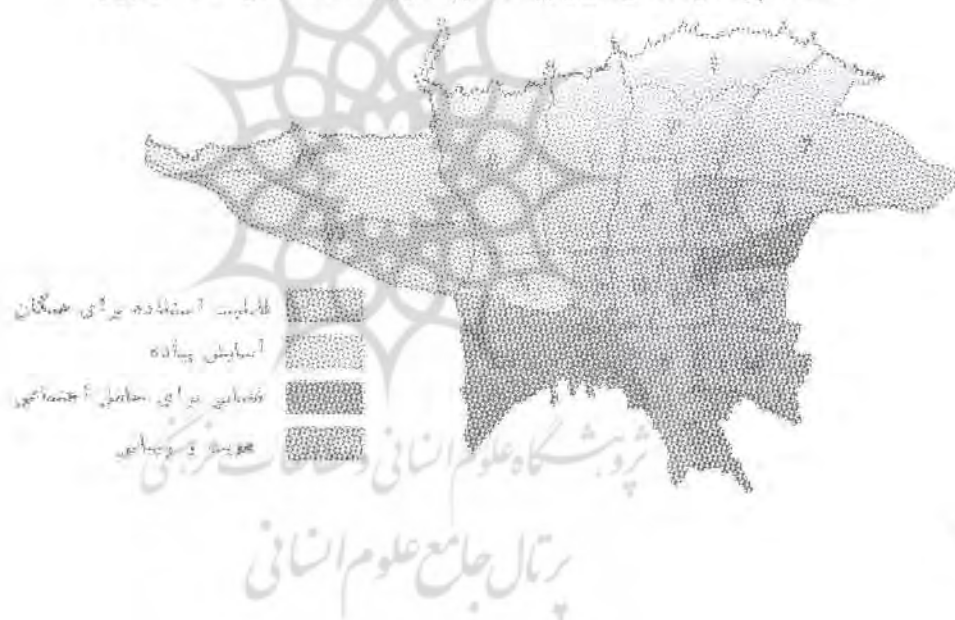
بعلاوه، باید شرایطی را فراهم آورد که مردم بتوانند در هنگام پیاده روی از احساس و آرامش و آسایش برخوردار باشند. اصلاح کف سازی ها، تامین سرپناه، تعدیل تاثیرات مخرب

است. آنان در جستجوی صفاتی از هویت هستند که تناسبات بصری، تنوع، خوانایی و سرزندگی را، آنگونه که طراحان شهری معادل سازی می کنند، تداعی می نمایند.

تناسب کالبدی هم با زیبایی، هویت، خوشایندی بصری در آمیخته است. اما، شهروندان هنوز نیازها و دلمشغولی های واجدالویتی دارند که تناسب کالبدی بعد از آن قرار دارد. آنها ابتدا می خواهند شرایطی در کوچه شان برقرار شود که هنگام پیاده روی احساس آرامش و آسایش داشته باشند. دنبال فضایی هستند که خودرو مدارای مبتای طراحی آن نباشد. در میحث هویت و معنی داری نیز به دنبال خواسته های ذهنی و شعارگونه ای، که نموده های عملی و واقعی آنها ابهام آمیز هست، نمی باشند. بنابراین، تصمیم سازان و تصمیم گیران حوزه طراحی شهری بهتر است دغدغه های ذهنی خود را از مفهوم - واژگانی که نموده های عینی و شیوه های عملیاتی نمودن آن ها شفاف نیست، بدور دارند.

اتومبیل ها و آرام سازی ترافیک سواره حداقل فعالیت هایی هستند که طبق این مطالعات باید صورت پذیرد. در شاخص قابلیت استفاده برای همگان نکات اجرایی خاصی مطرح می شود که برخی از آنها با مورد آسایش پیاده ها همسانی دارند. اما، برخی دیگر نیز باید به طور خاص اعمال شوند. آماده سازی کوچه ها برای گروه های مختلف سنی، آماده سازی برای ناتوانان جسمی، افزایش عرض کوچه ها، در نظر گرفتن مسیری برای دوچرخه، کاهش تاثیر خدشه گذاری موتور سواران از این جمله اند. در قسمت دیگر، یعنی تامین فضاهایی برای تعامل اجتماعی، توجه به نکاتی که حس مردم را برای برقراری تعامل سازنده پاسخ دهد، الزامی است و طراحی گره هایی که مردم را گردهم آورد یا طراحی الگویی از کوچه که به الزامات کالبدی برخی از رویدادهای آیینی ملی و منطقه ای ایران پاسخ دهد مفید خواهد بود. مردم دوست دارند کوچه های شان یا صفاتی از کوچه های دیگر جدا شود. مثلاً بگویند: کوچه ما از دیگر کوچه ها سرسبزتر

نقشه ۱ - پراکنش شاخص های اولویت دار کوچه خوب به تفکیک مناطق ۲۲ گانه ی تهران.



پی نوشت ها:

۱. Good Street
۲. Goal
۳. Vision
۴. Plan Making
۵. Objective (s)
۶. Strategies
۷. Urban Design Plans
۸. شناخت کوچه های خوب تهران، در چارچوب اطلاعات جمع آوری شده از مسابقه کوچه خوب که در سال ۱۳۸۷ بوسیله حوزه معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران برگزار گردید، صورت گرفته است. حسن نظر آقای مهندس اخلاصی مدیرکل محترم وقت اداره کل معماری و ساختمان شهرداری تهران و سرکار خاتم مهندس صادق زاده معاونت اداره کل مذکور، که جای تشکر فراوان دارد، این پژوهشگران را به بررسی و تجزیه و تحلیل این اطلاعات هدایت نمود.
۹. Non-Designers
۱۰. Designers
۱۱. The Environmental Quality of Public Realm(s)
۱۲. Goodness (Goodness as a Norme for Responsiveness of Environmental Quality)
۱۳. Perception
۱۴. Image
۱۵. Grounded Theory
۱۶. Interview
۱۷. Vitality

Sociability	۱۸
.Strauss	۱۹
.Corbin	۲۰
.Code , Coding	۲۱
.The Image of City , K. Lynch	۲۲
.Osgood	۲۳
.SuKi	۲۴
.Tannenbaum	۲۵
.Hofstatter	۲۶
.Luria	۲۷
.Vigostky	۲۸

فهرست منابع:

- آناستازی، آن (۱۳۶۱)، روان آزمایی، ترجمه محمد تقی براهنی، دانشگاه تهران، تهران.
- بنتلی، ای.ین؛ الکت، ال.ن؛ مک گلین سو؛ واسمیت، گراهام (۱۳۸۷)، محیط های پاسخده، کتابی راهنما برای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- پاکزاد، جهاننشا (۱۳۸۵)، مقالاتی در باب طراحی شهری، کتاب اول، انتشارات شهیدی، تهران.
- حبیبی، رعنا السادات (۱۳۸۷)، تصویر ذهنی و مکان، نشریه هنرهای زیبا پاییز ۸۷، شماره ۳۵، صص ۳۹-۵۰.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۶۷)، کند و کاوها و پنداشتها، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- لنگ، جان (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه های معماری و نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، دانشگاه تهران، تهران.
- لینچ، کوین (۱۳۷۴)، سیمای شهری، ترجمه منوچهر مزینی، دانشگاه تهران، تهران.
- لینچ، کوین (۱۳۸۱)، تئوری شکل شهر، ترجمه حسین بحرینی، دانشگاه تهران، تهران.
- Appleyard, D.(1981), *Livable Street*, University of California press , Berkeley.
- Carmona, M, Heat T. D. , Tiesdell, S. (2003), *Public Places, Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design*, Architectural Press, Oxford.
- Davis, C.G., and Royal Fine Art Commission (1997), *Improving Design in The High Street*, Architectural Press, London.
- Gehl, j (1996), *Life Between Buildings: Using Public Space*, Copenhagen, Arkitektensforlag.
- Glazer, B. (1998), *Doing Grounded Theory: Issues and Discussions*, California: Sociology press,(5)6:66-8.
- Hester, R.T. (1989), Social Value and Open Space Design, *Places* 6 (1): 68 - 77.
- Jacobs , A. (1993), *Great Streets*, University of California Press, Berkeley.
- Lukovich, T (1993), Postmodern Streets: Urban Design Perspective, R. Freestone, ed. "*Spirited Cities*", Sydney, The Federation Press: 123 - 138.
- Michelson, W. (1975), Behavioral Research Methods in Environmental Design, Dowden, Hutchinson & Ross, Stroudsburg.
- Morse J.M. & Filed P.A.(1995), Qualitative Research Methods [fobelth] Professionals.2 nded. California, sage;. :27-9.
- Moudon, A.V and Laconte, P. Ed. (1983). *Streets as Public Property: Opportunities for Public / Private Interactions in Planning & Design*, University of Washington, Seattle.
- Moudon, A.V. (1987), *Public streets For Public Use*, NewYork, Van Nostrand Reinhold.
- Moughtin, C. (1992), *Urban Design: Street and Square*, Butterworth Architecture, Oxford.
- Nasar, J. Ed. (1998), *Environmental Aesthetics: Theory, Research and Application*, Cambridge University Press, New York.
- Osgood, C.E., Susi, G.j, & Tannenbaum, p.H.(1957), *The Measurement of Meaning* .Urbana: University of Illinois press
- Piet , P . (1996), Street for People, *Landscape Design* (248): 45-56.
- Rudofsky , B. (1969), *Streets for People*, Doubleday , New York.
- Sloman, L.(1996), Streets for People, *Town and Country Planning* , 6 5 (7/8): 194 -9 .
- Southworth, M., and Ben-Joseph, E. (1995), Street Standards and the Shaping of Suburbia, *Journal of the American Planning Association*, 61 (1) : 65-81.
- Streubert HJ, Carpenter D.R. (2003), *Qualitative Research in Nursing ,Advancing the Humanistic Imperative*, Philadelphia :Lippincott;
- Taylor, R.B., Koon's, B.A., Kurtz, E.M., Green, J.R. ,and Perkins, D.D. (1995), Street Blocks With More Nonresidential Land Use Have More Physical Deterioration, Evidence From Baltimore and Philadelphia, "*Urban Affairs Reviews*", 31 (1): 120-B6.
- Walters, D. (2007), *Designing Community, Chartres, Master Plans and Form-based Codes*, Architectural press, Oxford.
- Zeisel, J, (1981), *Inquiry by Design: Tools For Environment - Behavior Research*, California, Brooks / Cole Publishing Company, Monterey.